

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس نهم

فصل اول

فصل دوم: اصول حاکم در سیره اهل بیت علیهم السلام

فصل سوم: دسته بندی سیره اهل بیت علیهم السلام

اول: سیره عبادی

دوم: سیره فردی

سوم: سیره معاشرتی

چهارم: سیره تبلیغی

پنجم: سیره اقتصادی

ششم: محیط زیست

الف) محیط طبیعی

۱- زمین و گیاهان

۲- آب ها

۳- حیوانات

ب) بهداشت محیط زیست

هفتم: سیره حکومتی

مبانی حکومت ائمه علیهم السلام

۱ و ۲- خدامحوری و معاد باوری

۳ و ۴- قرآن و سنت محوری

۵- عدالت محوری

۶- ظلم ستیزی

۷- پرهیز از آسیب های حکومت داری

ششم: محیط زیست

در ارتباط با سیره‌ی معصومین در جنبه‌های مختلفی در این درس‌ها بحث شد؛ دو محور باقی مانده است؛ یکی محور سیره‌ی معصومین در رابطه‌ی با محیط زیست و موجودات و یکی هم سیره‌ی حکومتی آن بزرگواران است. ابتدا بحث اول را که متأسفانه کمتر به آن پرداخته می‌شود و بحث مهم و کاربردی هم است، مورد توجه قرار می‌دهیم.

الف) محیط طبیعی:

محیط زیست یعنی آنچه که زیست و حیات انسان‌ها به آن بستگی دارد و پیرامون ما وجود دارد. به عبارت دیگر محیط زیست دو بخش می‌شود؛ یکی محیط انسانی، یکی محیط طبیعی. محیط انسانی یعنی جایی که ما انسان‌ها در آن زندگی می‌کنیم، خانه، محل کار، کوچه، خیابان؛ این‌ها محیط‌هایی است که خود ما درست کردیم، ایجاد کردیم. مسجد ساختیم، خانه ساختیم، کارخانه ساختیم.

بخش دوم محیط زیست، محیط طبیعی است. یعنی آنچه که به طور طبیعی در طبیعت بوده است و باید حفظ بشود. مثل درخت، جنگل، آب، معادن، دریا، منابع زیرزمینی. با توجه به این تعریفی که بنده از محیط زیست داشتم، یعنی آنچه که در پیرامون ما وجود دارد و ما زندگی می‌کنیم، زیست داریم. حالا محیط زیست شامل همه‌ی این‌ها می‌شود. جنگل‌ها، دریاها، زمین، معادن، خانه، محل کار حتی آب‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، سبزیجات، میوه‌ها، مواهب الهی، حیواناتی که پیرامون ما هستند. اگر یک کسی مجموعه‌ی این روایات را جمع‌آوری بکند، چندین مجلد کتاب خواهد شد که بداند اسلام چقدر به حفظ این محیط اهمیت داده است که متأسفانه امروز مردم در دنیا و بعضاً یا بسیاری در کشورهای اسلامی رعایت این حدود را ندارند.

۱- زمین و نباتات:

ما اول از زمین شروع می‌کنیم، زمین و آب و جنگل و کوه یعنی این چیزهایی که اطراف ما وجود دارند. سوره‌ی هود، خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»^۱ خدا شما را از این زمین پدید آورد، آفرید؛ «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» عنایت بکنید الان استعمار در بین ما معنای منفی دارد اما این‌جا استعمار به معنی طلب عمران است، طلب آبادانی است. خداوند شما را در زمین قرار داد و در واقع زمین را به شما سپرد تا آن را آباد بکنید. روی این واژه دقت بکنید «استَعْمَرَكُمْ فِيهَا» زمین را آباد بکنید. زمین را عمران بکنید. این در واقع یکی از اهداف الهی را آبادانی زمین - که نقطه‌ی مقابل آن تخریب است - ذکر می‌کند. از آن طرف قرآن کریم وقتی می‌خواهد منافقین را معرفی بکند - جالب است - می‌فرماید: «إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ»^۲ ما فکر می‌کنیم مثلاً منافق فقط کسی است که می‌جنگد، فقط کسی است که با ائمه با دین مبارزه می‌کند؛ نه. می‌فرماید: منافق کسی است که نسل و حرث را از بین می‌برد. یعنی بشر را و زراعت بشر را. «يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ» کاری که امروز داعشی‌ها می‌کنند هم نسل را از بین می‌برند، هم حرث از بین می‌برند. «وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» خدا فساد را دوست ندارد. مفسرین گفتند: این فساد، فساد تکوینی نیست، فساد تشریعی است. یعنی چه؟ یعنی فساد است که بشر ایجاد می‌کند، در عالم می‌آفریند، به دست خود منابع طبیعی را از بین می‌برد، آب‌ها را هدر می‌دهد، نسل را از بین می‌برد، عمر را کوتاه می‌کند.

۲- سوره‌ی بقره، آیه ۲۰۵.

۱- سوره هود، آیه ۶۱.

من دو تا آیه راجع به احیای زمین و محیط زیست خواندم؛ یکی جنبه‌ی مثبت، یکی منفی. یکی آیه‌ی ۶۱، سوره‌ی هود که در این آیه‌ی مبارکه می‌فرماید: «وَأَسْتَعْمِرْكُمْ فِيهَا» یکی هم آیه‌ای است که می‌فرماید: «وَيُهِلِكَ الْحَرْتُ وَالنَّسْلُ».^۱

لازم است در این جا اشاره‌ای به فرمایش بسیار زیبای امیرالمؤمنین داشته باشیم که حالا بحث ما این جلسه بحث حکومت هم است، با بحث این قسمت تلفیق می‌شود. دوستان نامه‌ی ۵۳، نهج البلاغه را ببینید. این نامه را حضرت امیربه مالک اشتر نوشته است. مرام نامه‌ی حکومت است، اساسنامه‌ی حکومت است. تقاضای من این است دوستان به این خطِ اوّل نامه نگاه بکنند؛ حضرت در خطِ اوّل نامه، در سطر اوّل نامه می‌نویسد: این نامه‌ای است که امیرالمؤمنین به مالک اشتر نوشته است، به بنده‌ی خدا مالک اشتر، می‌فرماید: مالک چهار چیز برای تو در اولویت باشد. فرمود: مالک حالا که داری به مصر می‌روی استاندار بشوی - این قابل توجه استاندارها، فرماندارها دولت، مسئولین - چهار چیز برای تو در اولویت باشد؛ این چهار تا چیست؟

۱- «جَبَايَةَ خَرَاجِهَا» یکی این است که مالیات را از مردم بگیر. اگر مالیات نباشد، استانداری بودجه ندارد، دولت بودجه ندارد.
۲- «وَجِهَادَ عَدُوِّهَا» با دشمن آن‌ها جنگ. این هم روشن است. کشور امنیت داشته باشد. پس یکی پشتوانه‌ی اقتصادی، یکی پشتوانه‌ی امنیتی.

۳- «وَأَسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا» اهل آن سامان را صالح بکن، خیر بکن. یعنی روی این‌ها کار تربیتی انجام بدهد. این هم شد فرهنگی.
۴- «وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا» شهرهای آن‌ها را آباد بکن. خیلی زیبا است. یعنی مالی.

مسئله‌ی اوّل: نظامی. مسئله‌ی دوم: فرهنگی. محیط زیست. «جَبَايَةَ خَرَاجِهَا» مالیات بگیر، پشتوانه‌ی مالی داشته باش برای مردم هزینه بکن. «جِهَادَ عَدُوِّهَا» نبرد با دشمنان، امنیت ایجاد بکن. «وَأَسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا» کار فرهنگی بکن که مردم صالح بشوند. «وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا»؛ این تأکید حضرت است.

آن وقت در میان خود این چهار تا اولویت داریم، در اواسط همین نامه می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أُنْبَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ»^۲ مالک عمارت و تعمیر محیط زیست و زمین مهم‌تر از جذب مالیات است. یک وقت مردم ندارند، مالیات نگرفتی، اشکال ندارد ولی تو پل‌سازی و خیابان سازی و اصلاح بلاد را تعطیل نکن. «وَلْيَكُنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أُنْبَغَ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ» خوب این اهمّیت محیط زیست را در کلام حضرت امیر (علیه السلام) می‌رساند.

من یک مقدار از سیره‌ی معصومین راجع به زمین و زراعت و درخت‌کاری فهرست‌وار خدمت شما عرض می‌کنم. این‌ها کمک به احیای محیط زیست است. این روایت نورانی درباره‌ی وجود مقدّس حضرت امیر (علیه السلام) می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) ... وَ يَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ»^۳ یکی از کارهای حضرت این بود که به احیای زمین می‌پرداخت. بعد در یک روایت دیگری دارد، این روایت عجیب است. شما ببینید وقتی قیامت برپا می‌شود «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا»^۴ «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»^۵ همه وحشت زده هستند. حتّی قرآن می‌فرماید: مادر می‌خواهد وضع حمل بکند وحشت زده است. در روایت است همه سگری هستند، یعنی سرگردان هستند. اما این حدیث می‌گوید: اگر یک وقت اعلام شد نفخ صور شد، قیامت برپا شد، یک نهال درخت

۴- سوره‌ی زلزله، آیه ۱.

۵- سوره‌ی تکویر، آیه ۱.

۱- سوره‌ی بقره، آیه ۲۰۵.

۲- نهج البلاغه، ص ۴۳۶.

۳- الکافی، ج ۵، ص ۷۴.

در دست شما است آن نهار را بکار. یعنی چه؟ نهال را برای چه بکارم؟ قیامت دارد می‌شود. زمین قرار است زلزله بشود. چقدر مهم است که می‌گوید: اگر قیامت هم برپا شد، در دست او یک نهال درختی است. «فَلْيَغْرِسْهَا»^۱ باید آن را بکارد، باید آن را غرس بکند. یعنی حتی در همین حال هم غافل نشود از این که به احیای محیط زیست بپردازد و زمین را احیا بکند. شما ببینید چقدر اسلام به این مسئله‌ی زراعت و باغداری اهمیت داده است. «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا»^۲ هر مسلمانی که یک درختی بکارد یا یک زراعتی، گندم بپاشد، جو بپاشد «فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ» پرنده‌ها از این زراعت استفاده بکنند. بشر استفاده بکند «أَوْ بَهِيمَةٌ» یا حیوانات استفاده بکنند؛ «إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» این در واقع برای او صدقه محسوب می‌شود. حالا اعم از این که از این زراعت حیوان استفاده بکند، انسان استفاده بکند یا چهارپایان استفاده بکنند. خوب این‌ها همه نشان از اهمیت به مسئله‌ی محیط زیست است.

۲- آب‌ها:

امام صادق فرمود: «لَا تُفْسِدُ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ»^۳ اگر در جنگی، نبردی، شهری را می‌خواهید بگیرید، وارد شدید آب آشامیدنی مردم را خراب نکنید. این یعنی چه؟ این یعنی آب را اسراف نکنید، فاضلاب درون رودخانه‌ها و دریاها نریزید. آب‌ها را آلوده نکنید. ببینید چقدر زیبا است «لَا تُفْسِدُ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ» این یک روایت راجع به آب. باز روایت دیگر دارد که «أَكْثَرُ مِنَ الظُّهُورِ يَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ»^۴ تا می‌توانید نظیف باشید، پاکیزه باشید تا خداوند تبارک و تعالی بر عمر شما بیفزاید که طبیعتاً یکی از عوامل ظهور همین آب است. استفاده‌ی صحیح از آب است. این هم روایت دیگری که وجود دارد. به همین جهت ما چندین دعای باران در منابع دینی خود داریم. نهج البلاغه را ببینید. دعای استسقاء، دعای باران. حضرت امیر دارند، چه دعا‌های مفصلی که آن‌جا خواندند و اهمیت این نکته را متذکر شدند.

۳- حیوانات:

اما در ارتباط با حیوانات، سرزمین‌ها، کوه‌ها، من به خطبه‌ی ۱۶۷ امیرالمؤمنین اشاره می‌کنم، حضرت در این خطبه از مسئولیت‌پذیری صحبت کرده است؛ نه تنها ما در برابر پدر و مادر و حکومت و دولت و عالم دینی، امام و پیامبر و قرآن و خدا مسئول هستیم، حضرت می‌گوید: «فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ» بقاع جمع بقعه است. شما در ازای سرزمین‌ها هم مسئول هستید. نباید بگذارید یک سرزمینی آبادانی خود را از دست بدهد. جنگل خود را از دست بدهد، کوه‌ها تخریب بشود، مواهب طبیعی تخریب بشود. «وَ الْبَهَائِمِ» چهارپایان. به همین جهت شما در سیره‌ی معصوم ببینید امام حسن مجتبی (علیه السلام) دارند رد می‌شوند، غذایی همراه ایشان است؛ یک سگی هم گوشه‌ی کوچی نشسته است. آقا این تکه‌های نان را، غذا را به این سگ دادند و خود ایشان گرسنه عبور کردند. گفتند: آقا چه کردید؟ فرمود: از خدا شرم کردم یک ذی روحی، جنبه‌ای -نه یک انسان- به صورت من نگاه بکند، گرسنه باشد، من غذا بخورم و آن تماشا بکند و لذا غذای خود را به این حیوان دادم. این نسبت به حیوانات است. در روایت دارد به رسول خدا گفتند: یک زنی یک گربه‌ای را حبس کرد «حَبَسَتْ هِرَّةً» هره یعنی گربه. تا

۱- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰.

۲- همان.

۴- وسائل الشیعة، ج ۱، ص: ۳۸۳

۳- الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، ص: ۶۵

این که این گربه در حبس مرد. فرمود: روز قیامت همین طور او را حبس می کنند. چرا نسبت به حقوق حیوانات بی توجهی کرد. این ها نکاتی است که در منابع ما آمده است. اصولاً خدای تبارک و تعالی بنای آفرینش را بر حفظ محیط زیست قرار داده است. من برای شما مثال می زنم. طلوع آفتاب حفظ محیط زیست نیست؟ اگر خورشید نبود چه اتفاقی می افتاد؟ چقدر ما از فقدان نور خورشید لطمه می دیدیم. پس با طلوع و تابش آفتاب محیط زیست را حفظ کرده است، بارش باران. الآن در آلودگی هوا می گویند: امید ما به بارش باران است. حرکت باد، این ها هم حفظ محیط است. خدا با تابش آفتاب، با بارش باران، با بادهای، با جزر و مد، با تشکیل ابر در آسمان ها با این هفت لایه ای که اطراف کروی زمین قرار داده است که سنگ های آسمانی را می سوزاند، یک مثال ساده تر می زنم تجزیه ی جسد. شما فکر بکنید اگر خاک قدرت تجزیه نداشت چه اتفاقی می افتاد، تعفن عالم را پر می کرد. همه ی این ها نشان از مسئله ی اهمیت به محیط زیست است.

یک نکته ی دیگری هم که این جا عرض بکنم این است که در سیره ی همه ی ائمه ی معصومین ما در قصه ی باغداری، زراعت، حتی حیوانات داستان های زیادی از آن ها نقل شده است. اولاً می دانید همه ی انبیاء چوپانی کردند. همه ی انبیاء داریم زراعت کردند. امام صادق فرمود: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا»^۱ خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاد الا این که زراعت کرده است، زارع بوده است. این اهمیت زراعت در سیره ی انبیاء را نشان می دهد. خود وجود مقدس امیر المؤمنین (علیه السلام) چقدر احیای قنات داشتند، چقدر باغ داشتند احیا کردند، این ها را وقف می کردند. امام صادق فرمود: «إِنِّي لَأَعْمَلُ فِي بَعْضِ ضِيَاعِي حَتَّى أَعْرِقَ»^۲ من در مزرعه ی خود کار می کنم تا عرق بریزم. یعنی نه این که کار سمبلیک و ظاهری، آن قدر کار می کنم تا عرق بریزم. «حَتَّى أَعْرِقَ» این ها متن روایات است که در ارتباط با سیره ی معصومین (علیهم السلام) آمده است که من بعضی از آن ها را عرض کردم.

ب) بهداشت محیط زیست:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) كَانَ يَأْمُرُ بِدَفْنِ سَبْعَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْإِنْسَانِ»^۳ رسول خدا تأکید داشت که هفت چیز حتماً باید دفن بشود. برای چه دفن بشود؟ یعنی این ها در محیط ریخته نشود، در فضا ریخته نشود، در آب ریخته نشود، در دریا ریخته نشود. «الشَّعْرُ» یکی از آن ها مو است. حالا من بعضی از آن ها را می گویم، دوستان روایت را ببینند. یکی از آن «وَالظُّفْرُ» ناخن است. یکی «وَالْدَّمُ» خون است.

چقدر روایات ما تأکید دارد بر این که مبدا خون در کوچه و خیابان ریخته نشود. مگر الآن در عزاداری های ما رعایت می شود؟ نمی شود. عزاداری خوب است، کشتن گوسفند، نحر شتر اما نباید در خیابان باشد. می دانید چه آثار منفی از نظر بهداشتی، از نظر اخلاقی، از نظر روحی روی مردم می گذارد. بچه، کوچک، بزرگ مقابل آن ها یک شتر را نحر می کنند، گاو را می کشند، گوسفند را می کشند. در خیابان نباید باشد.

اجازه بدهید من یک عبارتی را از کتاب های فقهی برای شما بخوانم. می دانید در گذشته گروهی را به نام محتسب داشتیم. محتسب کسی بود که بازرس بود، بازرس دینی بود؛ همان امر به معروف و ناهی از منکر بود. به آمر به معروف و ناهی از منکر رسمی محتسب می گویند. این عبارت در کتاب های فقهی ما وارد شده است. «يَجِبُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ» بازرس دینی بر او لازم است

۳- وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۹.

۱- تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۶، ص: ۳۸۴

۲- الکافی، ج ۵، ص ۷۷.

«ان يَمْنَعُهُم مِّنَ الذَّبْحِ عَلَى ابْوَابِ الدَّكَائِنِهِمْ فَإِنَّهُمْ يُلَوِّثُونَ الطَّرِيقَ»^۱ بازرس حکومت دینی باید جلوی ذبح حیوانات را در مغازه‌ها و خیابان‌ها بگیرد. چون خیابان و کوچه را آلوده می‌کند. از مکه می‌آیند، در کوچه قربانی می‌کنند. جلوی عروس می‌آیند در کوچه قربانی می‌کنند. این سیره‌ی معصوم نیست. گفتند: نکنید. «يَجِبُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ أَنْ يَمْنَعَهُمْ مِنَ الذَّبْحِ عَلَى ابْوَابِ الدَّكَائِنِهِمْ فَإِنَّهُمْ يُلَوِّثُونَ الطَّرِيقَ» چون این‌ها طریق را آلوده می‌کنند. این هم در ارتباط با موضوع زمین و زراعت و باغداری. بحث اهمّیت محیط زیست را به پایان می‌بریم.

هفتم: سیره حکومتی

و اما در ارتباط با حکومت، ما می‌توانیم ارتباط آن را با این بحث این‌طور بگوییم؛ ما دو نوع حفظ محیط داریم. یک حفظ محیط زیست، یک حفظ محیط معنوی. محط زیست یعنی حفظ درخت، بیابان، صحرا، جنگل، کوه، دشت، معادن. محیط حکومت هم باید سالم باشد. فضای حکومت شامل چه چیزی می‌شود؟ شامل مسئولین اداره‌کننده، شامل رسانه‌ها، صدا و سیما. شامل فرماندارها و استاندارها در هر شهر. شامل قانون اساسی آن منطقه و لذا اگر ما می‌خواهیم در این رابطه صحبت بکنیم باید برویم در فرمایشات رسول خدا و ائمه‌ی معصومین این‌ها را بررسی بکنیم که خود این یک وقت واسعی را می‌خواهد منتها دوستان می‌دانند ائمه‌ی ما از این ۲۴۹ سال امامت، حدود پنج سال حکومت در اختیار آن‌ها بوده است. یعنی حدود چهار سال و چند ماه امیر المؤمنین، چند ماه هم امام حسن و پیغمبر خدا هم ده سال در مدینه.

ما برای دریافت دیدگاه‌های ائمه‌ی معصومین درباره‌ی حکومت باید سراغ حکومت امیر المؤمنین (علیه السلام) برویم، ببینیم اقداماتی که حضرت امیر درباره‌ی اصلاح ساختار حکومت کردند چه چیزی بوده است؟ اولاً حضرت امام، رهبر کبیر انقلاب در کتاب حکومت اسلامی خود می‌فرماید: تصوّر ولایت فقیه تصدیق می‌آورد. تصوّر این که حکومت باید در دوران غیبت در اختیار عالم دینی باشد. وقتی ائمه نیستند، نزدیک‌ترین فرد به ائمه، فقیه عالم دینی است. به فضل الهی ما پس از انقلاب، توفیق تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام را هم داشتیم پس ضرورت دارد الآن در زمان خود، ببینیم حکومتی که حضرت امیر ترسیم کرد... دقت بکنید ممکن است نتوانست پیاده بکند یعنی ما بگوییم: صددرصد آن چیزی که منوی حضرت امیر بود پیاده شد؟ نه. این اتفاق نیفتاد. آن حکومتی که جهانی است، صد درصد اهداف دینی در آن پیاده می‌شود «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۲ حکومت حضرت مهدی (ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. بله در آن حکومت است اتفاقاً حکومت هم جدا از حکومت پیامبر و اهل بیت نیست. چون امام زمان هم «يَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّهِ»^۳ روش ایشان روش رسول خدا و روش حضرت امیر (علیه السلام) است.

الف) مبانی حکومت ائمه (علیهم السلام):

۱ و ۲- خدامحوری و معاد باوری:

اگر بخواهیم مبانی حکومت حضرت امیر را بشماریم، می‌توانیم چند تا نکته را اشاره بکنیم. نخستین نکته‌ی اساسی در حکومت امیر المؤمنین (علیه السلام) دینی بودن و مبتنی بر تفکر الهی است. این خیلی مهم است. یعنی باید خدا برای رئیس حکومت

۲- سوره‌ی توبه، آیه ۳۳.

۱- مفاهیم القرآن نویسنده: الشیخ جعفر السبحانی جلد: ۲ صفحه: ۵۱۷ و

۳- معالم المدرستین، ج ۳، ص ۳۸۰.

الوافی نویسنده: الفیض الکاشانی جلد: ۱۵ صفحه: ۲۸

اسلامی، متولیان حکومت اسلامی اصل باشد. «دَاعِيَا إِلَى اللَّهِ» باشند و لذا در نامه‌های حضرت ببینید شما یکی از مواردی که من توصیه می‌کنم کل آن را دوستان ببینند و حتی این را در آثار منتشر بکنید نامه‌ی ۶۹ نهج البلاغه است؛ این نامه خطاب به حارث بن عبدالله همدانی نوشته شده است که فرماندار آقا بوده است. بسم الله الرحمن الرحيم نامه‌ای است از امیرالمؤمنین به حارث بن عبدالله همدانی بعد آقا شروع می‌کند؛ حدود ۳۰ تا دستورالعمل در این نامه است که من گاهی به فرماندارها، به استاندارها گفتم این را منتشر بکنند، در ادارات خود نصب بکنند. نامه‌ی ۵۳ به مالک اشتر این‌ها روؤس حکومت حضرت امیر و ائمه را به ما نشان می‌دهد. پس حکومت در سیره‌ی معصومین مبتنی بر فرضیه‌ی خدامحوری است.

دوم معادباوری. نباید در حکومت دینی و اسلامی و حکومت امام یا فقیه کاری بشود که عاقبت انسان را به خطر می‌اندازد، قیامت انسان را به خطر می‌اندازد. این هم نکته‌ی مهمی است.

۳ و ۴- قرآن محوری و سنت محوری:

نکته‌ی سوم در حکومت دینی حفظ قرآن و سنت پیامبر است. این مبنا است: کتاب، سنت. من آدرسی را خدمت شما عرض می‌کنم نامه‌ای که امام حسین به مردم کوفه نوشته است را نگاه بکنید؛ چهار تا نکته در این نامه قرار دارد. همه‌ی عزیزان می‌دانید مردم کوفه امام حسین را برای حکومت دعوت کردند. گفتند: این‌جا شرایط فراهم است، امکانات فراهم است اما نامه‌ی امام حسین چیست؟ فرمود: مردم کوفه امام کسی است که چهار تا ویژگی دارد «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ»^۱ امام کسی است که قرآن برای او محور است و بعد فرمود: عدالت. بعد فرمود: دین. چهار محور را اشاره کرد که کتاب قرآن محور است، دین محور است، عدالت محور است، خدا محور است؛ «الْحَافِظُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ» و نامه‌ای که امام حسین به مردم بصره نوشته است که چرا من می‌خواهم قیام بکنم. «إِنَّ الشَّيْءَ قَدْ أُمِيتَ»^۲ چون سنت پیغمبر از دنیا رفته است «وَأَنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ» بدعت در دین گذاشته شده است. «إِنْ ... تُطِيعُوا أَمْرِي، أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ» اگر از من پیروی بکنید، من راه رشد را به شما نشان می‌دهم.

روؤس حکومت در سیره‌ی معصومین چه شد؟ خدامحوری، معادمحوری، قرآن محوری، سنت محوری این‌ها نباید زیر پا برود.

۵- عدالت محوری:

پنجم عدالت محوری. «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»^۳ عدالت بورزید، این به تقوا نزدیک‌تر است. نگاه بکنید پیغمبر خدا در سوره‌ی مبارکه‌ی شوری، آیه‌ی ۱۵ فرمود: «وَأَمِزْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» من آمدم عدالت را اجرا بکنم. جای دیگر هم می‌خوانیم، می‌خوانیم: همه‌ی انبیای الهی آمدند که مردم قسط و عدالت را پیاده بکنند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۴ پس عدالت محوری هم مهم است و لذا وجود مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: من هیچ‌گاه پیروزی را با جور نمی‌خواهم. به من دستور می‌دهید که «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَظْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ»^۵ ابدًا من پیروزی را با جور و ظلم نمی‌خواهم. این هم ویژگی دیگر حکومت امام معصوم است که عدالت برای او محور است.

۳- سوره‌ی مائده، آیه ۸.

۴- سوره‌ی حدید، آیه ۲۵.

۵- نهج البلاغه، ص ۱۸۳.

۱- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص: ۳۹.

۲- جواهر الحکمة للإمام أبي عبد الله الحسين (ع) نویسنده: محمد محمدی ری

شهری جلد ۱: صفحه ۱۶۲ و مکاتیب الأئمة، ج ۳، ص ۱۳۲.

به همین جهت شما ملاحظه می‌فرمایید وقتی رسول خدا مکه مکرمه را فتح کردند، این آیه نازل شد «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»^۱ مردم به عدالت، پیغمبر به عدالت حکم بکنید. قسط و عدالت از اهداف اصلی حکومت امیرالمؤمنین و ائمه (علیهم السلام) بوده است. حضرت چقدر در نهج البلاغه در تبیین و ترسیم عدل مطلب دارند. این هم نکته‌ی پنجم در ویژگی‌های حکومت دینی است.

۶- ظلم ستیزی:

ویژگی دیگر ظلم ستیزی است. به هیچ وجه حکومت دینی و حکومت اسلامی با ظلم و با جور و با بدعت و با تبعیض هم خوانی ندارد. به همین جهت شما می‌بینید بعد از آن که حضرت امیر به خلافت رسیدند؛ ابن عباس می‌گوید: من آن سال امیرالحاج بودم، از مکه آمدم دیدم که حکومت عوض شده است، مردم خلیفه‌ی سوم را کشتند و برداشتند و حضرت امیر به خلافت رسیده است. خوشحال شدم، آمدم به منزل آقا بروم، داستان را پرسم دیدم مغیره آن‌جا است. تعجب کردم مغیره این‌جا چه کار می‌کند؟ از آقا سؤال کردم. گفت: این‌ها آمدند به من می‌گویند: با معاویه کوتاه بیا. بگذار پایه‌های حکومت تو محکم بشود، معاویه هم در شام باشد. ابن عباس می‌گوید: گفتم پیشنهاد خوبی است. حضرت فرمودند: ابدا من نمی‌خواهم پایه‌های حکومت من با ظلم و تأیید ظلم مبتنی باشد. مگر آن شخص شب در خانه نیامد - اشعث بن قیس - حلوای زعفرانی آورده بود که آقا می‌گوید: وقتی متوجه شدم این رشوه است، می‌خواهد با این کار از من یک امتیازی بگیرد، گویا مانند زهر مار در دهان من شد. بعد رو کرد به آن شخص فرمود: می‌خواهی من را از طریق دینم فریب بدهی، برگردد. مگر کفش وصله نمی‌کرد. فرمود: ارزش این حکومت نزد من از این پایین‌تر است، مگر این که حق را بگیرم، مگر این که عدالتی را پیاده بکنم.

۷- آسیب‌های حکومت داری:

البته حکومت در سیره‌ی معصومین به آسیب‌های آن هم اشاره شده است. ثروت‌اندوزی است که... «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ * أَنْ رَأَهُ اسْتَعْنَى»^۲ غرور تکبر، می‌تواند مسئولان حکومتی را لطمه بزند و غافل بکند. ویژگی دیگری که وجود دارد کنار زدن افاضل، به کار نگرفتن افراد شایسته، شایسته سالاری را کنار گذاشتن. به همین جهت در روایت داریم که «يُسْتَدَلُّ عَلَىٰ إِذْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ»^۳ چهار چیز حکومت‌ها را زمین می‌زند، «تَضْيِيعُ الْأُصُولِ» اصول را زیر پا بگذاریم. آن وقت نقطه‌ی مقابل آن «الْتَّمَسُكَ بِالْفُرُوعِ» الآن هم گاه‌ها در کشور ما این‌طور است. مسائل حاشیه‌ای اصل می‌شود، مسائل اصلی وارد حاشیه می‌شود. کار جوانان، ارزانی، امنیت، استقلال این‌ها اصول است، از آن طرف مسائل حاشیه‌ای چه کسی چه کار کرد، چه کسی کجا رفت، چه کسی چه حرف سیاسی زد، خیلی روایت زیبا است. فرصت نیست و الا یک جلسه مستقل باید روی این روایت صحبت می‌شد. از بین بردن اصول «تَضْيِيعُ الْأُصُولِ» به فروع تمسک کردن. بعد سوم فرمودند: «تَقْدِيمُ الْأَزَادِلِ» پست دادن به آدم‌های بی‌مسئولیت و پست و ناآشنا. «تَأْخِيرُ الْأَفَاضِلِ» فاضل‌ها و متدینین کنار باشند و از حکومت حذف بشوند.

این‌ها رؤس حکومت و مبانی حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که من به چند مورد آن اشاره کردم.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

۳- الحیة، ج ۱، ص ۵۵۱.

۱- سوره‌ی نساء، آیه ۵۸.

۲- سوره‌ی علق، آیات ۶ و ۷.